

بررسی اعتبار تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران در قلمرو قوانین حاکمیت فرا سرزمینی آمریکا

مریم هانفی^{۱*} - مریم خانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

چکیده:

با تصویب و اجرایی شدن قوانین تحریم ایران بعد از تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا بعد جدیدی به اقدامات تحریمی خود افزود و آن عبارت بود از تنبیه شرکت‌های خارجی که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند. این شیوه افراطی‌ترین شکل اجرای قوانین فراسرزمینی آمریکاست که تاکنون اجرا گردیده است. گرچه قوانین فرا سرزمینی آمریکا و تلاش برای واداشتن اشخاص کشورهای ثالث به رعایت این قوانین و مقررات در صحنه بین‌الملل به طور دقیق سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده، اما استفاده از این ابزار برای پیشبرد سیاست خارجی همواره منشأ بحث و جنجال بوده است. در این مقاله در صورتی که بپذیریم یک کشور می‌تواند حاکمیت خود را در خارج از سرزمینش اعمال کند، آنگاه بررسی اعتبار قانونی تحریم‌های ایران براساس اصول جاری حقوق بین‌الملل در موضوع قلمرو حاکمیت و قوانین فرا سرزمینی آمریکا بحثی ضروری و قابل تامل خواهد بود.

واژگان کلیدی: حاکمیت سرزمینی، حاکمیت حمایتی، اصل ملیت، تحریم

JPIR-2008-1511

^۱- دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

dr.maryamhatefi@gmail.com

^۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

براساس اصل فراسرزیمینی قوانین تحریمی مصوب در سنای ایالات متحده آمریکا؛ این کشور در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم با توسل به تدابیر فرا سرزیمینی تلاش کرد که به برخی اهداف سیاست خارجی خود دست یابد. این تدابیر بنا بر سنت از طریق: ۱- مهار صادراتی مجدد کالا و فن آوری آمریکا از کشور ثالث؛ ۲- ممنوعیت صادرات محصولات غیر آمریکایی که در تولید آنها از قطعات و لوازم یا فن آوری آمریکا استفاده شده است؛ ۳- گسترش قلمرو حاکمیت آمریکا بر معاملات تجاری شعبات خارجی شرکت‌های آمریکایی؛ ۴- مجازات شرکت‌های خارجی که با اموال مصادره‌ای آمریکا سروکار دارند، اعمال می‌شد.

با توجه به اصل فراسرزیمینی قوانین آمریکا، قانون تحریم‌های ایران در بخش‌های ۵ و ۶ از رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد که اشخاص خارجی را که در منابع انرژی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، تحریم کند. این همان اطلاق فرا سرزیمینی قوانین آمریکا است. بدین معنی که منع دسترسی شرکت‌های خارجی به بازارهای آمریکا در صورتی که با تحریم‌های سرمایه‌گذاری همراهی نکنند، یک تحریم ثانویه به شمار می‌آید. قانون تحریم‌های ایران، بنا به تعریف آمریکا، «اقدامی است برای مجازات اشخاصی که مستقیماً و به صورت گسترده به افزایش توانمندی ایران در توسعه صنایع نفتی‌شان سرمایه‌گذاری کنند» (Balkeley, 1984:685) از این رو عنصر فرا سرزیمینی در قانون تحریم‌های ایران با ماهیت تحریم‌های ثانویه، انتقادات سخت و محکومیت دیگر کشورها به ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپا را بر علیه آمریکا برانگیخت.

حاکمیت

حق تاثیرگذاری بر منافع حقوقی - برای تعیین مقررات قانونی (صلاحیت قانون‌گذاری)، اعمال احکام قضائی (قلمرو قضایی) و اجرای احکام قضایی (قلمرو اجرای قانون) را قلمرو حاکمیت می‌گویند. تعریف ماهیت و حیطة قلمرو حاکمیت بستگی به چارچوبی دارد که در آن این حاکمیت اعمال می‌شود. مثلاً در حقوق داخلی آمریکا تعاریف و مفاهیم مربوط به قلمرو حاکمیت بر اساس مقررات قانون اساسی و بحث تفکیک قوا تعیین و تفسیر می‌شود. واژه قلمرو حاکمیت در داخل آمریکا به صور مختلف تعریف و اطلاق می‌شود که بستگی به این دارد که مشکل حقوقی در داخل یک ایالت مطرح است یا در حوزه فدرال. مفهوم واژه قلمرو حاکمیت در گستره بین‌الملل تعاریف و کاربردهای دیگری دارد. از آنجا که هر یک از کشورها به شیوه‌های مختلف و براساس قوانین و منافع خود حقوق بین‌الملل را تفسیر می‌کنند، بنابراین احتمالاً تفاوت‌های

گیج کننده‌ای در این زمینه وجود دارد. به طور سنتی اعمال حاکمیت بر جرایم فرا سرزمینی از مفاهیم اساسی در ادبیات حقوق بین‌الملل است. مثلاً استرداد یا مسترد نکردن مجرمان اغلب بستگی به این دارد که یک کشور مبانی حاکمیت تعریف شده دیگر را بپذیرد یا نه. (Mestral and Weseirski, 1990:13)

مبانی قلمرو حاکمیت

به طور سنتی در تشریح مبانی قلمرو حاکمیت کیفری، پنج اصل پذیرفته شده است که در اینجا به تشریح هر یک از این مبانی خواهیم پرداخت.

قلمرو حاکمیت سرزمینی (اصل سرزمینی ایالات متحده آمریکا)

اصل سرزمینی مبنای اصلی قلمرو حاکمیت کیفری در آمریکا است. بر اساس این نگرش کشورها عموماً صلاحیت تشریح قوانین و اجرای آن در داخل سرزمین خود را دارند. برداشت آمریکا از قلمرو حاکمیت را می‌توان در گفته‌های مارشال رئیس دیوان عالی آن کشور در سال ۱۸۱۲ یافت که چنین بیان شده است: «قلمرو حاکمیت یک کشور در داخل سرزمین خود لزوماً منحصر به فرد و مطلق است و از هر محدودیتی که توسط غیر خود تحمیل شود، مصون است. هرگونه محدودیتی در این زمینه از ناحیه خارج به معنی محدودیت در حاکمیت است. بنابراین چنانچه درباره قدرت کامل و همه جانبه یک کشور در داخل سرزمین خود محدودیتی وجود داشته باشد، باید براساس رضایت خود آن کشور باشد. این استثناها نمی‌تواند هیچ منشأ مشروع دیگری داشته باشد». (The Schooner Exchange v McFaddon, 1812:85)

قلمرو حاکمیت حمایتی (اصل حمایتی ایالات متحده آمریکا)

مبنای حمایتی در اصل قلمرو حاکمیت که اکثر کشورها تفسیر بسیار باریکی از آن دارند مربوط به ضرر رساندن به منافع ملی است و جرمی را شامل می‌شود که می‌تواند تاثیر نامطلوب بر امنیت، یکپارچگی، تمامیت ارضی یا کارکرد دولت مثل جاسوسی، جعل مهر دولتی یا تقلب در پول یا اسناد دولتی یک کشور داشته یا تهدیدی بر آن باشد. ممکن است اهداف حاکمیت بر مبانی اصل سرزمینی عینی و اصل حمایتی شباهت‌هایی داشته باشد. اصل حاکمیت حمایتی برای یک کشور این امکان را فراهم می‌آورد که: «اگر یک تبعه یا غیر تبعه در جایی جرمی مرتکب شود و این جرم بر امنیت یا کارکرد دولت یک کشور تاثیر داشته باشد، مجرم تحت تعقیب قرار گیرد. البته محدوده این اصل مشخص نیست. این اصل بیشتر، متوجه جرایمی می‌شود که در خارج از خاک یک کشور اتفاق می‌افتند و امنیت آن کشور یا عملکرد نهادهای دولتی آن را تهدید می‌کند بشرط آنکه آن عمل به طور کلی طبق قوانین معمول سایر کشورها

نیز جرم شناخته شود».(Kienneth R Feinberg, 1981:389)

اصل ملیت (اصل ملیت در ایالات متحده آمریکا)

طبق این اصل یک کشور می‌تواند قوانین خود را بر رفتار اتباع خود در خارج اعمال کند. اما توافق عمومی بر این است که یک کشور نمی‌تواند در اجرای قوانین خود درباره اتباعش در خارج خواستار رفتاری شود که آن رفتار در کشور دیگر غیر قانونی است. آمریکا با استفاده از اصل ملیت برخی از قوانین مرتبط با سیاست خارجی خود را توجیه می‌کند. مثلاً در قانون همه جانبه ضد نژاد پرستی^۱ مصوب سال ۱۹۸۶ آمده است: «هیچ تبعه آمریکایی نمی‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم، یا از طریق اشخاص دیگر، در طرح‌های جدید آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کند».

اصل ملیت علاوه بر اشخاص حقیقی درباره اشخاص حقوقی نیز اطلاق پذیر است. بنابراین یک کشور می‌تواند حاکمیت خود را بر شرکت‌های خود، در هر جایی که فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد، اعمال کند. موضوع تابعیت شرکت‌ها، شرکت‌های سهامی و دیگر اشکال بنگاه‌های تجاری پیچیده است و اغلب مشکلاتی را به دنبال می‌آورد. شرکت‌ها ممکن است مشمول حاکمیت قانونی کشوری شوند که در آن به ثبت رسیده‌اند و در همان حال تابع قوانین دولتی باشند که در آن به فعالیت اقتصادی مشغول‌اند. هیچ مورد آزمایش پذیرفته شده جهانی در تعیین ملیت یک شرکت وجود ندارد. اما به طور کلی یک شرکت تبعه کشوری تلقی می‌شود که در آنجا مستقر است.(comprehensive Anti-Apartheid, 1986:1102)

قلمرو حاکمیت بر مبنای تابعیت (اصل تابعیت غیر موثر ایالات متحده آمریکا)

اصل تابعیت به یک کشور اجازه می‌دهد که اقدام قانونی درباره اتباع خود در خارج از کشور براساس اصل تابعیت اتباع به عمل آورد. نظریه تابعیت غیر موثر در نظریه حاکمیت بحثی است که به تدریج در آمریکا اهمیت پیدا می‌کند. در صورتی که قبلاً این طور نبود؛ و این امر به دلیل افزایش اعمال تروریستی و دیگر حملات سازمان یافته به اتباع یک کشور به خاطر ملیت آنها است. در سال ۱۹۸۴، آمریکا با اجرای قانون جامع کنترل جرایم^۲ با استفاده از مفهوم «تابعیت غیر موثر» حیطه قلمرو حاکمیت دریایی و سرزمینی خود را گسترش داد و «هر محلی در خارج از قلمرو یک کشور را در ارتباط با جرمی که یک آمریکایی یا علیه یک تبعه آمریکا اتفاق افتاده» شامل نمود.

^۱-Comprehensive anti-apartheid act

^۲-Comprehensive crime control act

در سال ۱۹۸۶، بعد از حادثه آشیل لارو (که در جریان آن فلسطینیان یکی از مسافران آمریکایی این کشتی مسافرتی را به قتل رساندند) در آمریکا قانونی با نام «قانون امنیت دیپلماتیک و ضد تروریسم»^۱ به تصویب رسید و به قانون کیفری قسمت جدیدی افزود که قلمرو حاکمیت آمریکا در خارج از خاک آن کشور است، در جایی که یک تبعه آمریکایی قربانی جنایت باشد، تصریح شد.

قلمرو حاکمیت عامه (اصل جهانی در ایالات متحده آمریکا)

به موجب این اصل برخی جرایم چنان شدید و فجیع می‌باشند که کشور توقیف کننده مجرم بدون توجه به تابعیت مجرم یا محل وقوع جرم، می‌تواند اعلام صلاحیت کند. همچنین اکثر مقامات، جنایات جنگی را در قلمرو حاکمیت قضایی جهانی جرم به شمار می‌آورند. افزون بر این، کنوانسیون‌های بین‌المللی تلاش کرده‌اند که دیگر جنایات فجیعی که جامعه جهانی را متأثر می‌سازد مثل تجارت برده، هواپیما ربایی، خرابکاری در هواپیماهای غیرنظامی و کشتار دسته جمعی را از میان بردارند. آمریکا همچنین تصادم یا خدمات امداد رسانی در دریاها، محافظت از آبریزان و نقض حقوق بشر را در این دسته بندی قرار می‌دهد. ویژگی منحصر به فرد اصل جهانی این است که مشمول مرور زمان نمی‌شود.

گسترش مبانی قلمرو حاکمیت فرا سرزمینی

در مطالعات حقوقی آمریکا عموماً پذیرفته شده است که آن کشور- به نقل از پرفسور بلاک اسلی- «مبانی قلمرو حاکمیت خود را به صورت نامناسب به جرایم فرا سرزمینی گسترش داده است. آنان با این کار نتوانستند بین اصول حمایتی و عینی سرزمینی تفکیک مشخصی قائل شوند و نسبت به شیوه اعمال یا تبیین آنها سکوت اختیار کرده‌اند». (Balckesley, 1982: 1141) به گفته کاتلین هیگسون: «انحراف از اصول تایید شده سنتی حقوق بین‌الملل، بویژه بخش ۴۰۱ در خصوص دسته‌بندی قلمرو حاکمیت، بخش ۴۰۲ در خصوص مبانی تشریحی قلمرو حاکمیت و بخش ۴۰۳ در خصوص محدودیت‌های تشریحی قلمرو حاکمیت» قابل ملاحظه است. (Hixson, 1988: 127)

بخش ۴۰۱

طبق بخش ۴۰۱ براساس حقوق بین‌الملل، یک کشور برای قانون‌گذاری در این زمینه‌های محدودیت دارد: الف- حاکمیت در قانون‌گذاری: به این معنی که یک کشور قوانین خود را به فعالیت‌ها، روابط یا وضعیت اشخاص یا منافع اشخاص در اشیا از طریق قانون‌گذاری، دستور

^۱-Omnibus diplomatic security and anti-terrorism act

اجرایی، مقررات اداری یا رأی دادگاه تسری دهد. ب- حاکمیت حل و فصل قضایی، به این معنی که اشخاص یا موضوع‌هایی را در روند دادرسی در محاکم یا هیأت‌های داوری و اداری موضوع قرار دهد، خواه دادرسی مدنی یا کیفری باشد خواه دولت طرف این دادرسی باشد. ج- قلمرو اجرایی قانون، به این معنی که اشخاص را وادار به اطاعت قانون کند یا متابعت نکردن ایشان از قانون و مقررات را مجازات کند. این مجازات می‌تواند از طریق دادگاه و با استفاده از قوه مجریه، نیروی اداری پلیس یا دیگر اقدامات غیر قضایی اعمال شود. (Hixson, 1988:132)

بخش ۴۰۲

طبق بخش ۴۰۲ یک کشور اختیار تجویز قوانین در این موارد را دارد: ۱. الف) رفتاری که، به طور کلی یا بخش عمده آن، در داخل سرزمین آن کشور به وقوع می‌پیوندد. ب) وضعیت اشخاص یا منافع اشخاص در اشیاء در خاک یک کشور. ج) رفتار در خارج از قلمرو که تاثیر در داخل دارد و یا به قصد تاثیرگذاری صورت گرفته است. ۲. فعالیت‌ها، منافع، وضعیت یا روابط اتباع یک کشور در خارج و در داخل سرزمین یک کشور. ۳. برخی رفتارها در خارج از خاک یک کشور توسط اشخاص که تابعیت آن کشور را نداشته باشند، اما رفتار آنها مستقیماً علیه امنیت یک کشور یا علیه بخش محدودی از دیگر منافع کشور باشد. (Ibid:134)

بخش ۴۰۳

بخش ۴۰۳ با عنوان «محدودیت در اعمال حاکمیت» برای حل و فصل منازعه اعلام می‌کند: ۱. حتی هنگامی که یکی از مبانی قلمرو حاکمیت براساس بخش ۴۰۲ فراهم باشد، یک کشور نباید حاکمیت خود را برای تجویز قانون در خصوص یک شخص یا فعالیت مربوط به یک کشور دیگر اعمال کند. (اگر اعمال حاکمیت غیرمنطقی است) ۲. در تعیین اینکه اعمال حاکمیت درباره یک شخص یا فعالیت، غیرمنطقی است یا نه، بایستی کلیه عوامل مربوط از جمله این عوامل ارزیابی شوند: الف) ارتباط فعالیت مربوط به قلمرو کشور قانون‌گذار، یعنی به میزانی که فعالیتی در داخل سرزمین یک کشور به وقوع می‌پیوندد یا تاثیر آن به طور اساسی، مستقیم و درخور پیش‌بینی بر آن سرزمین یا در آن سرزمین است. ب) ارتباط میان کشور مقرر کننده حاکمیت و اشخاصی که اساساً مسئول فعالیت‌هایی هستند که مقررات حاکمیت شامل حال آنها می‌شود. مثل تابعیت، اقامت یا فعالیت اقتصادی یا رابطه میان آن کشور و کسانی که این مقررات برای حمایت از آنان وضع شده است. ج) ماهیت فعالیتی که باید مقررات برای آنها تنظیم شود، اهمیت این مقررات برای کشور اعمال کننده مقررات، میزانی که سایر کشورها این فعالیت‌ها را مقرر می‌کنند و به میزانی که این مقررات عموماً پذیرفته می‌شود. د) وجود انتظارات موجه و معقول

که می‌تواند مورد حمایت یا آسیب قانون مذکور قرار گیرد. ه) اهمیت این مقررات در نظام سیاسی، اقتصادی یا حقوقی بین‌المللی. و) میزان انطباق این مقررات با عرف نظام بین‌المللی. ز) میزان علاقه‌ای که دیگر کشورها ممکن است در اجرای مقررات درباره این فعالیت‌ها داشته باشند. ح) احتمال تعارض با مقررات کشور دیگر. ۳. چنانچه برای هر یک از دو کشور اعمال حاکمیت بر یک شخص یا یک فعالیت غیرمنطقی نباشد اما تجویز حاکمیت از سوی هر دو در تعارض باشد، هر یک وظیفه دارند که منافع خود و طرف مقابل را در اعمال حاکمیت ارزیابی کنند و در ارزیابی خود کلیه عوامل ذیربط از جمله عوامل مذکور را بند فرعی دوم ملحوظ کنند.

اگر منافع یک کشور در اعمال حاکمیت به طور مشخص کمتر از منافع کشور مقابل باشد باید اعمال حاکمیت را به آن کشور محول کند. نتیجه اینکه، آمریکا می‌تواند حاکمیت خود را برای تجویز مقررات در خصوص رفتارهای زیر مجاز بداند: ۱. حوادثی که در خارج از سرزمین آمریکا به وقوع می‌پیوندد اما تاثیر آن در خاک آمریکا است؛ ۲. فعالیت‌های اتباع آمریکایی صرف نظر از محل آن؛ ۳. فعالیت‌های اشخاص غیرآمریکایی که امنیت ملی آمریکا را تهدید کنند. (بیان حاکمیت در هر یک از این وضعیت‌ها تنها در صورتی می‌تواند مجاز باشد که اعمال حاکمیت منطقی به نظر برسد). (Hixson, 1988)

اعمال قلمرو فرا سرزمینی در حوزه اقتصادی

اکثر کشورها تا حدودی اصل فرا سرزمینی قوانین داخلی اقتصادی را در مواردی پذیرفته‌اند که موضوع به استفاده از فن آوری هسته‌ای، تسلیحات و فن آوری شیمیایی و غیره مربوط می‌شود. اما با تبدیل این اصل به یک ابزار سیاست خارجی کشور مخالفت نشان داده‌اند. در واقع، موضوع اطلاق فرا سرزمینی قوانین آمریکا و تلاش برای تحمیل آن بر فعالیتهای اقتصادی اشخاص یا شرکت‌هایی که ارتباط کمی با آمریکا دارند یا اصلاً با آمریکا ارتباط ندارند، سخت مورد مخالفت متحدان آمریکا واقع شده و آنها را رنجیده خاطر کرده است. کشورهای اروپایی با اینگونه اطلاق‌های فرا سرزمینی مخالفت کرده و به عمل تلافی جویانه دست زده‌اند. در برخی موارد این کشورها حتی مقررات «مسدود سازی قوانین فرا سرزمینی» را تصویب کرده‌اند.

آمریکا، بدون همکاری متحدان خود استراتژی‌های مختلفی را برای تحقق اهداف خود بر سایر کشورها به کار برده است. به موجب قانون کمک دفاعی متقابل، «هیچ کمک نظامی، اقتصادی یا مالی به کشوری نمی‌شود مگر آنکه آن کشور صدور کالا به هر کشور یا ترکیبی از کشورهایی را که

امنیت آمریکا را به مخاطره می‌اندازد، ممنوع کند» (mutual defense assistance, 1951-197) در خصوص موضع حقوق بشر قانون کمک خارجی، اعطای کمک‌های عمرانی به کشوری که «به طور مستمر به نقض فاحش حقوق بشر از لحاظ بین‌المللی به رسمیت شناخته شده» ممنوع می‌کند. این قانون به نمایندگان آمریکا در نهادهای مالی بین‌المللی دستور می‌دهد به هنگام تخصیص کمک‌های بین‌المللی، ملاحظات سیاست خارجی را در نظر بگیرند. (foreign assistance act, 1982:4)

آمریکا همچنین با استفاده از اطلاق فراسرزمینی قوانین خود، به شیوه دیگری شرکای خود را به پذیرش تحریم‌های یک جانبه خود بر کشورهای ثالث وادار می‌کند. خودداری از این همراهی، یک شخص خارجی را می‌تواند مشمول مجازات‌های کیفری آمریکا کند یا آن شخص را از ادامه معامله تجاری با آمریکا محروم کند. قانون تحریم‌های ایران تنها قانونی نیست که اطلاق فرا سرزمینی دارد. اکثر تحریم‌های اقتصادی و مهارهای صادراتی آمریکا بنا به ملاحظات سیاست خارجی آن کشور تدوین شده است، که کاربرد فراسرزمینی آنها، مطابق اصول پذیرفته شده قلمرو حاکمیت مورد پذیرش نیست. (Ibid:2151)

اقدامات فرا سرزمینی قوانین آمریکا در «قانون اداره صادرات»

«قانون اداره صادرات» به عنوان منبع اختیارات صادرات عمومی آمریکا و تنظیم‌کننده صادرات آن کشور سه عنصر عمده فرا سرزمینی را درهم ادغام کرده است که گویای نمونه‌های برجسته‌ای از تلاش دولت آمریکا در مهار فعالیت‌های اقتصادی در فرا سوی مرزهای ملی خود است.

مهار صادرات مجدد

اولین مورد، مهار صادرات مجدد کالا و فن آوری تولیدی آمریکا است. مقررات اداره صادرات در بخش ۷۷۴/۱ مقرر می‌کند: «صدور مجدد کالاهایی که قبلاً از آمریکا صادر شده است تنها در صورتی مجاز است که مجوز آن را دفتر خزانه‌داری بر اساس بخش ۷۷۴/۲ مقررات صدور مجدد کالا، یا دیگر مقررات اداره صادرات، کتباً اعلام کند. هیچ شخصی در یک کشور خارجی یا در آمریکا نمی‌تواند این کالا را مستقیماً یا غیر مستقیم در کل یا در جزایر یک کشور مجدداً به مقصد نهایی صادر کند. مقررات اداره صادرات که تفسیر اجرایی «قانون اداره صادرات» است، واژه «صدور مجدد» را انتقال عملی کالاهای مشمول این مقررات «از یک کشور خارجی به یک کشور خارجی دیگر» یا «انتقال فن آوری یا نرم افزار مشمول این مقررات به یک تبعه خارجی در خارج از آمریکا»، تعریف می‌کند. (15 crf 734:2) اقلام مشخص شده در مقررات مهار صادرات شامل کلیه اقلام ساخت آمریکا است. آمریکا در صدد است تا این ممنوعیت را به کلیه اشخاص

از جمله اتباع آمریکا یا شرکت‌های فرعی آمریکا در خارج از کشور اطلاق پذیر کند. (Ibid)

ایران - ایر

در اوت سال ۱۹۸۵، شرکت هواپیمایی ایران (ایران-ایر) سه دستگاه مولد (ژنراتور) از شرکت فلوک آلمان خرید. در سفارش خرید، ایران-ایر به طور مشخص از شرکت آلمانی خواست که در اسناد عبارت «برای انتقال به تهران، ایران» قید شود.

شرکت فلوک آلمان که این کالاها را در انبار خود نداشت، سفارش مذکور را به شعبه این شرکت در هلند منتقل کرد. سپس شعبه شرکت در هلند نیز سفارش را به شعبه فلوک در آمریکا انتقال داد. در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۸۵، شرکت فلوک آلمان مولدها را در فرانکفورت برای انتقال به تهران به ایران-ایر تحویل داد. طبق بخش ۱، ۷۷۴ مقررات اداره صادرات، صدور مجدد این تجهیزات مستلزم کسب مجوز وزارت بازرگانی بود. شرکت ایران-ایر که از این مقررات آگاهی نداشت، چنین مجوزی را دریافت نکرده بود. پنج سال بعد، دفتر اجرائیات صادرات وزارت بازرگانی، علیه شرکت ایران-ایر اعلام جرم کرد. دفتر مذکور با استناد به بخش مقررات 15 CFR 787.2 ایران-ایر را متهم کرد که موجب صادرات مجدد «مولدهای دارای منشأ آمریکایی ... از ... آلمان به ایران بدون اخذ مجوز صدور مجدد، که بخش 15 CFR 774.1 مقرر داشته» شده است. قاضی قوانین اداری، اعمال مجازات‌های مدنی را مجاز ندانست و به درستی اعلام کرد که دولت آمریکا باید به طور مشخص تعیین کند که شرکت ایران-ایر عمداً این قانون را نقض کرده است. رابرت کوگلمن، قائم مقام وزیر بازرگانی این پرونده را به دادگاه اداری ارجاع داد و اظهار کرد که آگاهی صادر کننده «عنصر اساسی در اثبات جرم برای اعمال مجازات‌های مدنی» نیست. قاضی بار دیگر از پذیرش این نظر معاون وزارت بازرگانی امتناع کرد. سرانجام معاون وزیر بازرگانی با صدور دستور نهایی، شرکت ایران-ایر را به پرداخت ۱۰۰ هزار دلار جریمه محکوم کرد و کلیه امتیازات صادراتی آن را تا ۲۴ ماه به حالت تعلیق درآورد. چنانچه جریمه نقدی ظرف ۳۰ روز پرداخت می‌شد، امتیازات صادراتی تا سه ماه به حالت تعلیق در می‌آمد. (united states department of commerce 1992) شرکت ایران-ایر علیه معاون وزیر بازرگانی شکایت و ادعا کرد که وی حق ندارد در تصمیم قاضی قوانین اداری دخالت کند. (iran air v kugelman 1993) در ۲ ژوئیه دادگاه تجدید نظر آمریکا در ناحیه کلمبیا حکم معاون وزیر را تأیید کرد. این دادگاه در رأی خود اعلام کرد که طبق قانون اداره صادرات، معاون وزیر بازرگانی «داور نهایی در قضیه قانون صادرات و سیاست صادراتی است». این دادگاه معاون وزیر را ملزم کرد «اعمال تحریم‌های مقتضی را با

حقایق پرونده سازگار کند». به دنبال صدور رأی دادگاه تجدیدنظر، شرکت ایران- ایر و وزارت بازرگانی یا جریمه نقدی ۵۰۰۰۰ دلار توافق کردند.

دو نکته مهم در این پرونده مشاهده می‌شود. اول اینکه شرکت فلوک آلمانی و شرکت فلوک هلندی می‌دانستند که مقصد نهایی این مولدها ایران است، اما در این قضیه تحت تعقیب قرار نگرفتند و از آنان به دادگاه شکایت نشد. دوم و به ویژه در ارتباط با صادر کننده دادگاه رأی داد که طبق قانون اداره صادرات، اطلاع و آگاهی در تعیین نقض قوانین صادراتی عامل مهمی نیست.

کنترل محصولات خارجی

این مبحث درباره مهار کالاهایی است که در ساخت آنها از فن‌آوری آمریکا استفاده شده است ولی محصول تولید شده آمریکا نیست. طبق مقررات شماره 15 CFR 734.3 قانون اداره صادرات، شرکت‌های مستقل خارجی که در خارج از خاک آمریکا فعالیت دارند، چنانچه محصولاتشان بر اساس پروانه مشترک با شرکت‌های آمریکایی ساخته شده باشد، باید محدودیت‌های صادراتی را رعایت کنند.

صادرات توسط یک شخص آمریکایی

این عنوان به مهار صادراتی کالا توسط «اشخاص تحت قلمرو حاکمیت آمریکا» می‌پردازد، صرف نظر از اینکه کالا ساخت چه کشوری باشد. مقررات شماره 15CFR 385.2(C) اداره صادرات اعلام می‌کند که: «هر یک از اتباع آمریکایی یا اشخاص مقیم آمریکا، هر شخص حقوقی آمریکایی از جمله هر شرکتی که بر اساس قوانین آمریکا تشکیل شده است، هر شرکتی که در تملک اشخاص مذکور است و یا این اشخاص اداره می‌کنند، به عنوان شخص در قلمرو حاکمیت آمریکا منظور می‌شوند.

قلمرو حاکمیتی مهارهای صادراتی

حق یک کشور برای تحمیل قوانین یک جانبه محدود است و برای اینکه بتواند حمایت دیگر کشورها را جلب کند باید در موارد خاص در چارچوب حقوق بین‌الملل عمل کند. حقوق بین‌الملل ابزاری است که از طریق آن کشورها به حل و فصل حقوقی منافع متعارض اقدام می‌کنند. مقررات مربوط به مهار صادرات و واردات از جمله موضوع‌هایی است که به حاکمیت کشورها مربوط می‌شود. کشورها حق دارند که تجارت خود را تنظیم کنند و در زمینه منبع واردات یا مقصد صادرات خود تصمیم بگیرند. این مقررات نباید از مرزهای یک کشور فراتر رود. در عین حال همانطور که قبلاً بحث شد، حقوق بین‌الملل موقعیت‌هایی را به رسمیت شناخته است که

کشورها بتوانند حاکمیت خود را در فراسوی مرزهای خود اعمال کنند. تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری، مسافرت و افزایش تعداد شرکت‌های چند ملیتی این ضرورت را ایجاد کرده که محدودیت‌هایی در تعمیم قلمرو حاکمیت در نظر گرفته شود. مبانی سنتی قلمرو حاکمیت می‌تواند در خصوص مهار صادراتی اطلاق‌پذیر باشد.

توضیحات زیر در ارتباط با اصول قابل اعمال در عرضه کنترل‌های صادراتی است و حاکی از آن است که تسری گستره فرا سرزمینی کنترل‌های صادراتی آمریکا به شرکت‌های غیر آمریکایی که خارج از آمریکا فعالیت می‌کنند، غیر قانونی است.

- اصل قلمرو حاکمیتی سرزمینی قوانین اقتصادی آمریکا

یک کشور باید قوانین خود را تنها درباره اشخاص و کالاهای داخل خاک خود مجری بداند، بویژه هنگامی که این قوانین به فعالیت‌های اقتصادی یک کشور مربوط می‌شود (و موضوع به امنیت ملی آن کشور ارتباط ندارد) این نکته یک اصل بنیادی است که در حقوق بین‌الملل قابل احترام است.

در واقع هدف آمریکا مهار فعالیت‌های اتباع و شرکت‌های غیر آمریکایی است. حقیقت این است که اینگونه مهارها خلاف حقوق بین‌الملل است و این نظر از طرف دیوان عالی آمریکا در دعوی دولت آمریکا در برابر شرکت صادراتی کرتیس رایت^۱، قانون شماره 299 USA304 (1936) تایید شده است. در این قضیه، دیوان اعلام کرد که: «قانون اساسی آمریکا یا دیگر قوانینی که در پی آن به تصویب رسیده است در خارج از خاک آمریکا قوت اجرایی ندارد، مگر درباره اتباع آمریکایی... و اقدامات دولت آمریکا در سرزمین‌های دیگر تابع قراردادهای تفاهم‌ها و موافقت‌های بین‌المللی و اصول حقوق اصل قلمرو حاکمیت براساس تابعیت: هر کشوری حق دارد که رفتار اتباع خود را در هر جایی تنظیم و قانونمند کند. در عین حال نهادهایی که محل استقرار مالکیت و مرکز فعالیت‌های آنها خارج از خاک آمریکا است، نباید «در قلمرو حاکمیت آمریکا» محسوب شوند. اصل تابعیت در حقوق بین‌الملل بدین معنی نیست که حتی شعبات فرعی خارجی شرکت‌های آمریکایی تابع مقررات آمریکا می‌شوند. تابعیت یک شرکت بر اساس محل استقرار و محل ثبت آن شرکت تعیین می‌شود. (Barcelona traction 1970) در واقع آمریکا در مجامع بین‌المللی استدلال می‌کرد که با شعبات خارجی شرکت‌های آمریکایی بایستی طبق قوانین داخلی محل استقرارشان، مشابه «اتباع ملی» آن کشورها عمل شود و نباید بخاطر اینکه در مالکیت نهادهای

^۱-United states v curtiss wright export corporation

آمریکایی هستند، متحمل تبعیض و پیش‌داوری شوند.^۱ افزون بر این، کالاهای و فن‌آوری آمریکایی در خارج از آمریکا نباید آمریکایی محسوب شود. زیرا کالا یا فن‌آوری دارای تابعیت یا ملیت نیست و حقوق بین‌المللی اعمال حاکمیت بر اشخاص کنترل‌کننده آنها را نمی‌پذیرد که در اختیار نمی‌باشند. زمانی که کالاهای آمریکایی به خارج منتقل می‌شوند، حاکمیت آمریکا نیز برداشته می‌شود. (american president line v china mutual tradind co 1966)

اصل حمایتی در قوانین اقتصادی آمریکا

این اصل تاکید دارد که یک کشور می‌تواند به هنگامی که اشخاصی در خارج از خاک آن کشور که تابعیت آن کشور را ندارند، رفتاری مرتکب شوند که امنیت آن کشور را به مخاطره می‌اندازد یا در تمامیت عملکرد آن دولت اختلال ایجاد می‌کند، حاکمیت خود را اعمال کند. دولت آمریکا در اصلاح مقررات قانون اداره صادرات حتی به اصل حمایتی استناد ندارد. در واقع این اصلاحات بر مبنای بخش ۶ قانون اداره صادرات (مقررات سیاست خارجی) ست و نه بخش ۵ (مقررات امنیتی ملی)!(به طور کلی، به علت خطر واقعی که اصل حمایتی می‌تواند در روابط میان کشورها ایجاد کند به این اصل تنها در موارد بسیار معدود استناد شده است. (restatement third, 402)

کاربرد فرا سرزمینی قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی آمریکا

از جمله مقررات دیگری که به آمریکا اجازه می‌دهد در خارج از سرزمین خود مهار اقتصادی برقرار کند، مقرراتی است که از سوی دفتر مهار دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا تعیین می‌شود. مقررات مهار دارایی‌های خارجی ناظر بر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر برخی کشورهای خارجی است.

تا سال ۱۹۷۷ تنها دو قانون بود که این اختیار را به رئیس‌جمهور آمریکا می‌داد که به مهار صادراتی اقدام کند. این دو قانون عبارت بودند از: «قانون اداره صادرات» مصوب سال ۱۹۶۹ و «قانون تجارت با دشمن» در سال ۱۹۷۷، مبنای قوانین مهار صادراتی ادغام شد به طوری که اختیارات غیراضطراری در قانون اداره صادرات لحاظ گردید، و قانون تجارت با دشمن به گونه‌ای اصلاح شد که اختیارات رئیس‌جمهور برای مهار صادراتی تنها به زمان جنگ محدود می‌شد. قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی نیز تصویب شد تا رئیس‌جمهور بتواند در مواقع اضطراری اختیار برقراری تحریم داشته باشد. در واقع، زبان مندرج در قانون تجارت با دشمن به

¹- declaration of OECD member countries on international investment and multinational enterprises 1976

قانون اداره صادرات اضافه شد تا به رئیس جمهور این اختیار داده شود تا به هر شخص و هر دارایی در «قلمرو آمریکا» دسترسی داشته باشد. قبل از سال ۱۹۷۷ به نظر می‌رسید که هیچ قانونی به رئیس جمهور این اختیار را نمی‌داد که محدودیت‌های صادراتی را به شرکت‌هایی تحمیل کند که مالکیت آنها کلاً در اختیار بیگانه است یا صدور مجدد کالا را مهار کند. طبق قانون اداره صادرات مصوب سال ۱۹۴۹ و اصلاحیه سال ۱۹۶۹ رئیس جمهور تنها می‌توانست صادرات از آمریکا و سرزمین‌ها و قلمروهای در حاکمیت آمریکا را ممنوع کند. (CFR,535)

ایران و قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی آمریکا

با اجرایی شدن قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی، دفتر خزانه‌داری مسئول نظارت بر کلیه تحریم‌های آمریکا شد. مسدودسازی دارایی‌ها طبق مقررات مهار دارایی‌های خارجی آثار گسترده فرا سرزمینی دارد. طبق مقررات مهار دارایی‌های ایران، مسدود کردن دارایی‌های ایران و برقراری تحریم بر این کشور به گونه‌ای تعمیم یافت که شامل اشخاص «تحت قلمرو آمریکا» می‌شد. منظور از اشخاص تحت قلمرو آمریکا عبارت بود از هر شخص در هر جایی که دارای تابعیت یا اقامت آمریکا است؛ هر شخص که در خاک آمریکا بسر می‌برد؛ هر شرکت که طبق قوانین آمریکا یا هر یک از ایالات، سرزمین‌ها، قلمروها و نواحی متعلق به آمریکا تشکیل شده است؛ هر مشارکت، انجمن، شرکت یا سازمانی که اشخاص مذکور تشکیل داده اند و به فعالیت‌های بازرگانی مشغول است.

این تعریف گسترده از واژه «اشخاص تحت قلمرو آمریکا» با این هدف بود که دولت آمریکا بتواند حاکمیت خود را بر شاخه‌ها و شعبات فرعی بانک‌های تجاری آمریکا اعمال کند، حتی اگر در خارج تشکیل شده‌اند و طبق قوانین محل استقرار خود فعالیت بازرگانی دارند. در اجرای همین محدودیت‌ها مبلغ ۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران نزد شعبات بانک‌های آمریکایی در خارج از آمریکا مسدود شد. دادخواهی بانک ملی ایران برای مقابله حقوقی با این بانک‌ها در لندن و پاریس هرگز به سرانجام نرسید و این دعاوی هیچ یک مورد استماع و رسیدگی قرار نگرفت. (CFR,535)

مشروعیت قانون تحریم‌های ایران

با توجه به همزمانی تقریبی تصویب قانون تحریم‌های ایران و لغو قراردادهای شرکت‌های نفتی آمریکایی در ایران، به نظر می‌رسد که کنگره آمریکا در تصویب قانون تحریم‌های ایران تنها ملاحظات سیاسی و اقتصادی را در نظر گرفته بود، و نه پیامدهای حقوقی این قانون را.

قانون تحریم‌های ایران، با اختیارات بی سابقه در برقراری تحریم بر شرکت‌های خارجی، یکی از جنجالی‌ترین قوانینی است که در دوره اول ریاست جمهوری کلینتون به اجرا گذاشته شد. این جنجال از واقعیت تحریم‌هایی که اقتصاد ایران را هدف قرار داده بود، ناشی نمی‌شد. کشور ایران از انقلاب سال ۱۹۷۹ در معرض انواع تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری آمریکا قرار داشت. اعتراض به این قانون به دلیل ماهیت فراسرزمینی قانون تحریم‌های ایران بود که از طریق تحمیل تحریم بر اشخاص غیرآمریکایی، در صدد اجرای سیاست خارجی آمریکا بر می‌آمد. هدف این قانون جلوگیری از سرمایه‌گذاری در منافع نفتی ایران از طریق به خطر انداختن این سرمایه‌ها و منافع بود. اتمام حجت آمریکا با شرکای تجاری خود که «باید در تجارت بین ایران و آمریکا یکی را انتخاب کنند و نه هر دو را» نه تنها خشم جامعه بین‌المللی بلکه بحثی را درباره قانونی بودن چنین مطالبه‌ای را در حقوق بین‌الملل برانگیخت. تاکید آمریکا بر حاکمیت کشوری خود در این قانون، به مراتب فراتر از ادعای حاکمیتی است که در قوانین گذشته آن با آثار تاثیرات فراسرزمینی وجود دارد. در جنجال مربوط به خطو لوله گاز شوروی، قضیه شرکت فروهوف، قانون‌های دموکراسی کوبا و هلمز-برتون، پیش شرط اعمال تحریم‌ها وجود مالکیت آمریکا، دانش فنی، قطعات یدکی، کالا و نیز اموال مصادره شده بود. در صورتی که در قانون تحریم‌های ایران نیازی به اثبات وجود این قبیل عناصر مرتبط با آمریکا قبل از به اجرا درآمدن قانون، نیست. طبق قانون تحریم‌های ایران، رئیس‌جمهور باید مجازات‌هایی را علیه هر شخص - صرف نظر از تابعیت یا محل اقامت وی، که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری کند، اعمال کند. آیا کنگره آمریکا این اختیار را دارد که قوانین خود را بر اشخاص غیرآمریکایی در خارج، که ارتباطی با آمریکا ندارند، تحمیل کند؟ پاسخ به این پرسش عمدتاً بستگی به اختیارات آمریکا در صلاحیت قانون‌گذاری دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی مجدد اصول حاکمیتی، مشخص می‌کند که آمریکا با اجرای قانون تحریم‌های ایران از محدوده‌های تعیین شده در حقوق بین‌الملل فراتر رفته است و بنابراین اجرای تحریم‌های تعیین شده در قانون تحریم‌های ایران وجهه قانونی ندارد. یکی از بنیادی‌ترین اصل در حقوق بین‌الملل، حق حاکمیت و برابری کشورها است که از مفهوم اصل سرزمینی سرچشمه می‌گیرد. این اصل مقرر می‌دارد که هر کشوری در حیطه قلمرو خود حق دارد قوانینی را درباره اشخاص، اموال و فعالیت‌های درون سرزمین خود تعیین و اجرا

کند. این اصول نمی‌تواند مبنایی برای اعمال حاکمیت طبق قانون تحریم‌های ایران باشد. آمریکا تنها می‌تواند در امر سرمایه‌گذاری‌های اشخاص خارجی در داخل خاک خود مداخله کند و نه فراتر از مرزهایش، آنگونه که در قانون تحریم‌های ایران آمده است. اگر فعالیت‌هایی که در خارج از مرزهای یک کشور صورت می‌گیرد، با قوانین آن کشور تطبیق داشته باشد، در آن صورت نمی‌توان به «اصل تاثیرپذیری» استناد کرد. سرمایه‌گذاری در منابع نفتی ایران برای شرکت‌های غیر آمریکایی خارج از آمریکا، کاملاً قانونی است. دوم آنکه، چنین رفتاری باید تاثیر اساسی و مستقیم در داخل خاک آمریکا داشته باشد. کنگره، قانون تحریم‌های ایران را بر این مبنا توجیه کرد که مهار توسعه منابع نفتی ایران، دسترسی حکومت این کشور را به منابع ارزی، برای حمایت از تروریسم محدود می‌کند. حتی اگر این استدلال را صحیح بدانیم، در آن صورت باز هم بر مبنای مفاهیم پذیرفته شده حاکمیت، یک کشور نمی‌تواند به اصل تاثیرپذیری برای مهار رفتاری استناد کند که ممکن است تاثیری در داخل سرزمینش داشته یا نداشته باشد. این اصل مقرر می‌دارد که تاثیر یک فعالیت در خارج، در صورتی پذیرفتنی است که مستقیم و بدون انحراف یا انقطاع باشد. در نتیجه اصول سرزمینی و تاثیرپذیری نمی‌تواند مبنای حقوقی و قانونی برای قانون تحریم‌های ایران باشد. سرمایه‌گذارانی که آمریکا به موجب این قانون هدف قرار می‌دهد در آمریکا نمی‌باشند و فعالیت‌های آنها تاثیر مستقیم یا اساسی در آمریکا ندارند. بنابراین رفتار آنها با هدف تاثیر در آمریکا نیست.

طبق اصل حمایت در اعمال تحریم‌های ایران، یک کشور می‌تواند بر رفتاری در خارج از خاک خود اعمال حاکمیت کند که «علیه امنیت آن کشور جهت‌گیری شده باشد یا شامل جرایمی باشد که تهدید بر تمامیت عملکرد نهادهای دولتی تلقی شود و این جرایم در نظام‌های حقوقی پیشرفته جرم تلقی شود». مثال‌هایی از این قبیل جرایم عبارتند از: جاسوسی، جعل مهر دولتی مخصوص اسکناس یا جعل اسناد دولتی.

قانون تحریم‌های ایران با هدف مهار اشخاص خارجی است که می‌خواهند در ایران سرمایه‌گذاری کنند، نه رفتارهایی که علیه امنیت ملی آمریکا صورت می‌گیرد. افزون بر این نمی‌توان در توجیه قانون تحریم‌های ایران به اصل حمایتی استناد کرد زیرا نظام‌های حقوقی پیشرفته، سرمایه‌گذاری در منابع نفتی ایران را جرم نمی‌دانند و تاکنون هیچ کشوری چنین کاری نکرده است.

همان طور که در مباحث پیشین ذکر شد حقوق بین‌الملل اعمال حاکمیت یک کشور بر رفتار اتباع آن کشور در داخل و خارج از خاک آن کشور را به رسمیت شناخته است. آمریکا در

گذشته با استناد به این اصل درصدد برآمد در فعالیت‌های شعبات خارجی و شعبات فرعی شرکت‌ها و موسسات مالی آمریکا نظارت کند. در مقررات مهار دارایی‌های ایران شرکت‌های خارجی که در مالکیت یا اختیار اشخاص آمریکایی هستند از معامله با ایران ممنوع می‌شوند. قوانین آمریکا هرگز فراتر از این نرفته‌اند و حتی این تفسیر نیز به گسترش افراطی قوانین داخلی تعبیر شده است. قانون تحریم‌های ایران چنین می‌نماید که می‌خواهد رفتار موسسات و اتباع خارجی را که هیچ‌گونه وابستگی به آمریکا ندارند، کنترل کنند. بنابراین، اصل تابعیت در اینجا کاربرد ندارد. هر کشوری این اختیار را دارد که مقرراتی را برای تنبیه اشخاص وضع کند که مرتکب جرایم شناخته شده از سوی جامعه جهانی می‌شوند. جامعه جهانی سرمایه‌گذاری در ایران را جرم تلقی نمی‌کند که به خواهد محکومیت جهانی را در پی داشته باشد. اگر سرمایه‌گذاری آن‌طور که در قانون تحریم‌های ایران آمده است جنایت جدی و فجیع می‌بود در آن صورت جامعه اروپا قانون تحریم‌های ایران را محکوم نمی‌کرد.

همان‌طور که ملاحظه کردیم هیچ‌یک از اصولی که در توجیه اطلاق فراسرزمینی حاکمیت مورد استناد قرار می‌گیرد، نمی‌تواند درباره اشخاص غیر آمریکایی در خارج از خاک آمریکا به کار رود. در نتیجه قانون تحریم‌های ایران نقض حقوق بین‌الملل است.

English References

Book

- A.L.C. (1990), **de Mestral and T Gruchalla- Weseirseki, Extraterritorial Application of Export Control Legislation**, Canada and the USA, Kluwer Academic Publishers
- Christopher L Balkesley(1984), **A Conceptual Framework for Extradition and Jurisdiction over Extraterritorial Crimes**, Utah Law Review, vol4

Articles

- Balkesley, Christopher L(1982), **Criminal law: United States Jurisdiction over Extraterritorial Crime**, Journal of Criminal law and Criminology, Fa11
- Feinberg ,Kienneth R (1981), **Extraterritorial Jurisdiction and the Proposed Federal Criminal Code**, Journal of Criminal Law and Criminology. Vol.72
- Hixson, Kathleen(1988), **Extraterritorial Jurisdiction under the Third Restatement of Foreign Relations Law of the United States**, Fordham International law journal, vol. 12

Documents

- American President line v China Mutual Trading Co. Ltd., 1953, AMC 1510 (Hong Kong Supreme Court). See also Moens v Ahlers North German Lloyd, 30 RW 360
- Barcelona Traction, Light and Power Co. Ltd. (Belgium v Spain), ICI Report, 1970, 3 AT43 Judgement of 5 February
- Declaration of OECD Member Countries on International Investment and Multinational Enterprises, 75 Dept, Sr. Bull, 83 (1976).
- IS-Comprehensive Anti-Apartheid Act of 1986
- Iran Air v Kugelman, 996F2d.1253(DC Circuit, 1993)
- Mutual Defense Assistance Act 1951
- Foreign Assistance Act, Section1982, 262(b)4
- The Schooner Exchange v McFaddon, Supreme Court of the United States, 11 US(7 Cranch) 74, 85(1812)
- United States Department of Commerce, press release, BXA-92- 36, 27 August 1992